



کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی (جلد اول)

(بررسی مقابله‌ای سطوح محاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)

Idioms and Phrasal Verbs

اصطلاحات و عبارات فعلی

مترجم و مؤلف:

محمدرضا یاراحمدی

سرشناسه
عنوان و نام پدیدآور

: یاراحمدی، محمدرضا، ۱۳۴۵-

: کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی: (بررسی مقابله‌ای سطوح
مجاوره‌ای زبان انگلیسی و فارسی)، اصطلاحات و عبارات فعلی = Idioms and
phrasal verb / مولف و مترجم محمدرضا یاراحمدی.

مشخصات نشر
مشخصات ظاهری
شابک

: تهران: گروه تالیفی دکتر خلیلی، ۱۳۹۲.
: ۱۲۰ ص. : مصور، جدول، نمودار.
: ۸۰۰۰۰ ریال ۵۲-۰۰-۶۲۲۳-۶۰۰-۹۷۸ :

وضعیت فهرست نویسی
یادداشت

: فیبا
: عنوان دیگر: کاربرد اصطلاحات و عبارات در زبان انگلیسی.

موضوع

: کاربرد اصطلاحات و عبارات در زبان انگلیسی.

موضوع

: (بررسی مقابله‌ای سطوح مجاورهای زبان انگلیسی و فارسی)، اصطلاحات و عبارات فعلی.

موضوع

: زبان انگلیسی - اصطلاحات و تعبیرها - فارسی

موضوع

: زبان انگلیسی - اصطلاحات و تعبیرها - آموزش برنامه‌های

شناسه افزوده

: ۱۳۹۲ کی ۲ / ۱۴۶۰ PE

رده بندی کنگره

: فا ۴۲۳

رده بندی دیوئی

: ۳۱۱۹۱۰۴

شماره کتابشناسی ملی

نام کتاب: کاربرد اصطلاحات و عبارات فعلی در زبان انگلیسی

ترجمه و تألیف: محمدرضا یاراحمدی

ناشر: گروه تالیفی دکتر خلیلی

نوبت و سال چاپ: اول . ۱۳۹۲

شمارگان: ۱۰۰۰

چاپ: ندای ایران

لیتوگرافی و صحافی: راد

ناظر چاپ: حمید خلیلی

مدیر فنی و هنری: علی صفاری

طراحی و صفحه آرایی: آتلیه انتشارات گروه تالیفی دکتر خلیلی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۲۲۳-۵۲-۰

بهاء: ۸۰۰۰ تومان

Website: www.drKhaliligroup.ir

مرکز پخش: ضلع جنوب غربی میدان انقلاب - جنب سینما پارس - پاساژ پارس - طبقه اول

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۰۶۷۲۵ و ۰۲۱-۶۶۵۶۸۶۲۱

۰۹۱۲۵۵۰۸۵۸۹

مدیر فروش: حمید خلیلی

(مجموعه کتاب های IQB و ما طراحان را می توانید با هماهنگی آموزشگاه یا مدیر فروش، از طریق پست دریافت نمایید.)

فهرست مطالب

۱. معرفی اصطلاحات ۱۵
۲. ساختار عبارات (فعلی، فعل مجهول، فعلی دستوری) ۱۹
۳. اصطلاحات کاربردی عبارات (دستوری، همراه دو کلید واژه، همراه حرف اضافه) ۳۷
۴. اصطلاحات کاربردی (حدود تقریبی زمان، مقدار، کیفیت زبان اعداد) ۴۳
۵. اصطلاحات کاربردی (جواب های مرسوم، عبارات روزمره، بیانات تمجیبی) ۴۷
۶. اصطلاحات کاربردی (مربوط به تحصیل) ۵۲
۷. اصطلاحات کاربردی (دانش، توانایی، طرح و برنامه، تصمیم گیری) ۶۱
۸. اصطلاحات کاربردی (آغاز و پایان شرایط مختلف) ۶۹
۹. اصطلاحات کاربردی (ارتباطات تلفنی، پیام) ۷۴
۱۰. اصطلاحات کاربردی (بیان افکار، احساسات شخصی) ۸۰
۱۱. اصطلاحات کاربردی (عادات آزار دهنده، علاقه ها، خواسته ها) ۸۷

۱۲. اصطلاحات کاربردی (فعالیت فیزیکی) ۹۳
۱۳. اصطلاحات کاربردی (مسائل خانوادگی، نسل و همسایه ها) ۹۶
۱۴. اصطلاحات کاربردی (روابط دوستانه) ۱۰۴
۱۵. اصطلاحات کاربردی (گزارش طالع بینی، جرایم، اتفاقات ورزشی، رژیم غذایی) ۱۱۰
۱۶. اصطلاحات کاربردی (مالی) ۱۲۰
۱۷. اصطلاحات کاربردی (توصیف فعالیت خارج از منزل، آب و هوا، سفر، تعطیلات) ۱۳۰
۱۸. اصطلاحات کاربردی (خسارات و تعمیرات، مشکلات و راه حل ها) ۱۳۹

مقدمه:

"The illiterate of 21st century will not be those who cannot read and write, but those who cannot learn, unlearn, and relearn."

ELVIN TOFFLER

بی سواد قرن بیست و یکم کسی نیست که خواندن و نوشتن بلد نباشد بلکه کسی است که توان یاد گرفتن، دست کشیدن از یاد گرفته ها و دوباره یاد گرفتن را ندارد.

زبان محاوره‌ای و معیار

زبان معیار در نزد اهل فن، زبانی است که فرهیختگان در گفتار و نوشتار به کار می‌گیرند. این زبان از قدمت و پختگی برخوردار است و با زبان مردم کوچه و بازار تفاوت دارد. اما اگر با واقع بینی به مطالعه زبان پردازیم، نمی‌توانیم منکر موجودیت زبان غیر رسمی یا به قولی کوچه بازاری بشویم. زبانی که بسیاری مردم با آن گفتار می‌کنند.

در مقاله ی "فارسی زبان عقیم؟" دکتر محمد رضا باطنی آورده است: "زایایی واژگانی از نظر زبان شناختی به مبحث اشتقاق یا واژه سازی مربوط می شود و اشتقاق یعنی این که ما بتوانیم از اسم یا صفت فعل بسازیم". برای روشن تر شدن مطلب عیناً قسمتی از مقاله دکتر باطنی را در این جا می بینیم.

۱- گفتیم در فارسی فقط فعل های ساده هستند که زایایی دارند، یعنی می توان از آنها مشتق به دست آورد. اثبات این امر بسیار ساده است. به عنوان مثال فعل "نمودن" را در نظر بگیرید. ما از این فعل مشتق های زیادی به دست می آوریم: نمود، نمودار، نموده، نمونه، نما، نمایان، نمایش، نماینده (و مشتق های دیگری نظیر: نماد، نمادین، نمادگری، نمایه، که به تازگی ساخته و رایج شده اند و نیز مشتق های درجه دومی نظیر: نمایندگی، نمایشگاه، نمایشنامه، نمایشی، که با افزودن پسوندی به مشتق های درجه اول ساخته شده اند.) با این همه "نمودن" به معنایی که سعدی در این شعر به کار برده است :

دیدار می نمای و پرهیز می کنی بازار خویش و آتش ما تیز می کنی

در گفتار و نوشتار امروزه بسیار کم به کار می رود تاجایی که می توان گفت این فعل از بین رفته یا در شرف از بین رفتن است. در زبان فارسی متداول فعل مرکب "نشان دادن" جانشین معنی متعدی آن شده و فعل های مرکب "به نظر آمدن" و "به نظر رسیدن" نیز جانشین معنی لازم آن شده اند. ولی این فعل های مرکب عقیم هستند و هیچ مشتقی از آنها به دست نمی آید. به بیان دیگر، اگر ما فعل ساده "نمودن" را از اول نداشتیم و از

همان آغاز این فعل‌های مرکب به جای آن به کار رفته بودند. امروزه هیچ یک از مشتق‌هایی که در بالا برشمردیم در فارسی وجود نداشت. به عنوان مثال دیگر می‌توان "فریفتن" و "فریب دادن" را مقایسه کرد. از "فریفتن" که مصدری ساده یا بسیط است می‌توان مشتق‌هایی به دست آورد: فریفته، فریفتگی، فریب، فریبا، فریبایی، فرینده، فریندگی. ولی از "فریب دادن" که مصدری مرکب است مشتقی به دست نمی‌آید. "فریفتن" در گذشته به صورت لازم و متعدی هر دو به کار می‌رفته است. ولی امروزه معنی لازم خود را بکلی از دست داده است و در معنی متعدی نیز کاربرد زیادی ندارد. بسامد یا فراوانی کاربرد "فریب دادن" از "فریفتن" بسیار بیشتر است، و اگر روند تبدیل فعل‌های ساده به مرکب همچنان ادامه یابد در آینده جانشین بلامنازع "فریفتن" خواهد شد.

۲- در فارسی امروز دیگر فعل ساده ساخته نمی‌شود. یعنی به طور عادی نمی‌توان از اسم یا صفت فعل ساخت. زبان فارسی به ساختن فعل‌های مرکب گرایش دارد و برای مفاهیم تازه نیز از همین الگو استفاده می‌کند. ذکر چند مثال موضوع را روشن خواهد ساخت. در انگلیسی از television فعل televise و در فرانسه فعل televise را ساخته‌اند. در عربی هم از آن فعل می‌سازند و می‌گویند تلفز. یتلفز اما ما در فارسی می‌گوییم "از تلویزیون پخش کرد." در انگلیسی واژه telephone را به صورت فعل هم به کار می‌برند. در فرانسه نیز از آن فعل telephone را ساخته‌اند. در عربی هم از آن فعل می‌سازند و می‌گویند تلفن. یتلفن. اما ما در فارسی از فعل مرکب "تلفن کردن" استفاده

می‌کنیم. در انگلیسی از واژه philosophy فلسفه "فعل philosophize و در فرانسه از philosophie فعل philosopher را ساخته‌اند.

در عربی هم از فلسفه فعل می‌سازند و می‌گویند تفلسف، یتفلسف. اما ما در فارسی اگر مورد قبول واقع شود، می‌گوییم "فلسفه پرداختن" یا "به فلسفه پرداختن".^۱

امروزه مخصوصاً بین جوانان عبارت "بهت می‌زنم" جای "با شما تماس تلفنی می‌گیرم" یا "بهت زنگ می‌زنم" را گرفته است. به نظر بسیاری از زبان‌شناسان این نوع گفتار، به ساختار زبان پارسی لطمه می‌زند. اما نمی‌توان انکار کرد که این نوع گفتار، متکلمین یا گویش‌وران خاص خود را دارد. البته پیشرفت تکنولوژی و متعاقب آن سرعت ارتباطات به گسترش این امر کمک می‌کند. ضیق وقت هم انسان‌ها را وادار به موجز گویی کرده و خواه ناخواه این نوع گویش در بین مردم رواج پیدا می‌کند.

شکل (form)

ما برای بیان اندیشه‌ها و احساس‌مان به قالبی نیازمندیم تا در آن قالب کلمات مورد نیاز را ریخته و شکل دهیم. این قالب می‌تواند گزارشی، نمایشی، ادبی و ... باشد. بیان ما همیشه با احساساتمان می‌آمیزد و بر گفتارمان لحنی اضافه می‌کند. این لحن ممکن است

۱ محمد رضا باطنی. "فارسی زبان عقیم؟"

جدی، ترسناک، ملایم، تند، طنز آلود و ... باشد. پس از آن با توجه به موقعیتی که در آن هستیم ناچار به استفاده از نوعی زبان می‌شویم که شاید در موقعیت دیگر آن نوع زبان کارایی نداشته باشد. مثلاً در ادارات یک نوع زبان استفاده می‌شود که در صف نانوايي اگر استفاده شود موجبات خنده اطرافیان را فراهم می‌آورد. پس در موقعیت‌های متفاوت از ظرفیت‌های گوناگون زبان استفاده می‌کنیم و گاهی هم مجبور به استفاده از زبان نوشتاری می‌شویم. انواع قابلیت زبان می‌تواند به‌صورت اداری، علمی، محاوره‌ای و یا زبان رسمی باشد.

سبک و سیاق (register and style)

سبک، کاربرد زبان با توجه به توانایی و شناخت گویش‌ور از موقعیت‌های خاص اجتماعی است. یعنی اینکه گویش‌ور بداند در موقعیت‌های مختلف باید از چه نوع ظرفیت زبان استفاده کند. اما سیاق، ساختار زبان در شغل‌های متفاوت است. مثلاً زبان روزنامه‌ای با زبان مردم عادی فرق می‌کند و یا سیاق علمی صراحت خاص خود را دارد. در کارهای ادبی می‌توان از واژگان خاص یا صناعات ادبی استفاده کرد ولی در گزارش‌های علمی که اغلب انتقال مطلب، هدف اصلی محسوب می‌شود اجازه استفاده از فنون بیان مثلاً تشبیه، استعاره و ... را نداریم. تا آنجا که در نوشتار علمی حتی پاورقی

نویسی هم که ضرورت یک متن به حساب می‌آید باعث حواس پرتی خواننده می‌شود و باید نقل قول‌ها و توضیحات را در پرانتز و بلافاصله جلو مطالب آورد.

در زبان محاوره‌ای که اساساً با زبان نوشتاری متفاوت است، اغلب elision یا حذف صورت می‌گیرد. البته در زبان رسمی هم حذف داریم که بعضی کاملاً مشهود و برخی خیلی آشکار نیستند. مثلاً اگر بنویسیم "بسرِ پسِدی"، خواندن آن راحت نیست. در صورتی که خواندن همین دو کلمه بصورت "پسته پسِتی" برای کسی مشکل ایجاد نمی‌کند، همچنین تلفظ "داسدان" برای واژه "داستان" و "ماسد" بجای "ماست". صورت گفتاری این کلمات است که گرچه به کرات بر زبان جاری می‌شوند، در نوشتن نامانوس به نظر می‌رسند. دلیل آن است که حرف "ت" در آخر کلمات در هیچ زبانی در دنیا به طور کامل تلفظ نمی‌شود. البته این مبحثی زبان‌شناسی است که توضیح بیشتر آن در این مقال نمی‌گنجد. از نظر زبان‌شناسان اهمیت زبان گفتاری به مراتب بیشتر از زبان نوشتاری است و این به خاطر فراوانی افرادی است که از آن استفاده می‌کنند و در نتیجه بدان اعتبار می‌بخشند. در کشور ما اخبار روز به زبان رسمی اما به حالت گفتاری بیان می‌شود. البته اگر زبان معیار حالت محاوره‌ای به خود بگیرد، باز با زبان عامیانه فرق می‌کند. در زبان عامیانه به "ففل"، "قلف" و به "سطل"، "سلط" می‌گویند و بطور کلی زبان افراد بی سواد و کم سواد است. ولی زبان محاوره‌ای که رنگ و بوی زبان معیار در آن پر رنگ باشد، نزد اهل فن، زبانی پذیرفتنی است. کما اینکه در مجامع فرهنگی کشورمان این نوع زبان رواج دارد. مقوله استفاده از زبان محاوره‌ای در کنار زبان رسمی

در ایران از قدمت و سابقه‌ای قدیمی برخوردار است. این هم جواری اغلب موجب غنی تر شدن زبان پارسی شده است. برای مثال می‌توان از اشعار ساختارشکنانه مولوی یاد کرد. تغییراتی که گاه گاه در زبان پارسی به خاطر مجاورت با زبان عامه مردم و زبان محاوره‌ای آن‌ها ایجاد گردیده، انکار ناپذیر است. زبان پارسی در تعامل رو در روی افراد، بسیار بهتر به ارتباط گوینده و مخاطب - که هدف اصلی است - می‌انجامد. گویش‌ها یا اصطلاحات، راحت‌تر از زبان معیار و رسمی اندیشه‌های ما را بیان می‌کنند. معمولاً اصطلاحات، تصاویر ذهنی برای ما فراهم می‌کنند که همه چیز را آسان‌تر توضیح می‌دهند. مثلاً اصطلاح "چرب و چیلی" بار معنایی و تصویری بالایی دارد که عبارت "بسیار چرب" - که همان مفهوم را دارد - نمی‌تواند آن بار معنایی را منتقل کند. طرفداران استفاده از زبان محاوره‌ای می‌گویند، صمیمیت در گفتار گوینده هنگامی که با زبان محاوره‌ای ارتباط برقرار می‌کند بیشتر است و زبان گفتاری باید حتماً با زبان نوشتاری و مطبوعاتی تفاوت داشته باشد. اما مخالفان تأکید می‌کنند که برای مثال مجریان تلویزیون باید برای عامه مردم الگوی زبان معیار باشند و اگر سخنی‌فانه سخن برانند این الگو به نمونه‌ای بد تبدیل می‌شود و در کل بدآموزی دارد. به هر حال نمی‌توان منکر وجود زبان محاوره‌ای با بار معنایی قوی و ارتباط گرم و صمیمی که برقرار می‌کند شد.

تقدیم به خانواده و استادانم

با تشکر از خانم زهره چگنی که موجودیت این کتاب مدیون زحمات اوست.

www.ketab.ir